

کار روح القدس

¹These things have I spoken unto you, that ye should not be offended.²They shall put you out of the synagogues: yea, the time cometh, that whosoever killeth you will think that he doeth God service.³And these things will they do unto you, because they have not known the Father, nor me.⁴But these things have I told you, that when the time shall come, ye may remember that I told you of them. And these things I said not unto you at the beginning, because I was with you.⁵But now I go my way to him that sent me; and none of you asketh me, Whither goest thou?⁶But because I have said these things unto you, sorrow hath filled your heart.⁷Nevertheless I tell you the truth; It is expedient for you that I go away: for if I go not away, the Comforter will not come unto you; but if I depart, I will send him unto you.⁸And when he is come, he will reprove the world of sin, and of righteousness, and of judgment:⁹Of sin, because they believe not on me;¹⁰Of righteousness, because I go to my Father, and ye see me no more;¹¹Of judgment, because the prince of this world is judged.¹²I have yet many things to say unto you, but ye cannot bear them now.¹³Howbeit when he, the Spirit of truth, is come, he will guide you into all truth: for he shall not speak of himself; but whatsoever he shall hear, that shall he speak: and he will shew you things to come.¹⁴He shall glorify me: for he shall receive of mine, and shall shew it unto you.¹⁵All things that the Father hath are mine: therefore said I, that he shall take of mine, and shall shew it unto you.¹⁶A little while, and ye shall not see me: and again,

¹این را به شما گفتم تا لغزش نخورید² شما را از کنایس بیرون خواهند نمود؛ بلکه ساعتی می‌آید که هر که شما را بکشد، گمان بَرَد که خدا را خدمت می‌کند.³ و این کارها را با شما خواهند کرد، بجهت آنکه نه پدر را شناخته اند و نه مرا.⁴ لیکن این را به شما گفتم تا وقتی که ساعت آید به‌خاطر آورید که من به شما گفتم.

⁰ و این را از اوّل به شما نگفتم، زیرا که با شما بودم.⁵ اما الآن نزد فرستنده خود می‌روم و کسی از شما از من نمی‌پرسد به کجا می‌روی.⁶ ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است.⁷ و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم.⁸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود.⁹ اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند.¹⁰ و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید.¹¹ و اما بر داوری، از آنرو که بر رئیس این جهان حکم شده است.¹² و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لکن الآن طاقت تحمّل آنها را ندارید.¹³ و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد.¹⁴ و مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد.¹⁵ هر چه از آن پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است، می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد.

صلح و شادی در عیسی

¹⁶بعد از اندکی مرا نخواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید زیرا که نزد پدر می‌روم.¹⁷ آنگاه بعضی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: چه چیز است اینکه به ما می‌گوید که اندکی مرا نخواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید و زیرا که نزد پدر می‌روم؟¹⁸ پس گفتند، چه چیز است این اندکی که می‌گوید؟ نمی‌دانیم چه می‌گوید.¹⁹ عیسی چون دانست که می‌خواهند از او سؤال کنند، بدیشان گفت: آیا در میان خود از این

a little while, and ye shall see me, because I go to the Father.¹⁷ Then said some of his disciples among themselves, What is this that he saith unto us, A little while, and ye shall not see me: and again, a little while, and ye shall see me: and, Because I go to the Father?¹⁸ They said therefore, What is this that he saith, A little while? we cannot tell what he saith.¹⁹ Now Jesus knew that they were desirous to ask him, and said unto them, Do ye enquire among yourselves of that I said, A little while, and ye shall not see me: and again, a little while, and ye shall see me?²⁰ Verily, verily, I say unto you, That ye shall weep and lament, but the world shall rejoice: and ye shall be sorrowful, but your sorrow shall be turned into joy.²¹ A woman when she is in travail hath sorrow, because her hour is come: but as soon as she is delivered of the child, she remembereth no more the anguish, for joy that a man is born into the world.²² And ye now therefore have sorrow: but I will see you again, and your heart shall rejoice, and your joy no man taketh from you.²³ And in that day ye shall ask me nothing. Verily, verily, I say unto you, Whatsoever ye shall ask the Father in my name, he will give it you.²⁴ Hitherto have ye asked nothing in my name: ask, and ye shall receive, that your joy may be full.²⁵ These things have I spoken unto you in proverbs: but the time cometh, when I shall no more speak unto you in proverbs, but I shall shew you plainly of the Father.²⁶ At that day ye shall ask in my name: and I say not unto you, that I will pray the Father for you:²⁷ For the Father himself loveth you, because ye have loved

سؤال می‌کنید که گفتم: اندکی دیگر مرا نخواهید دید پس بعد از اندکی باز مرا خواهید دید؟²⁰ آمین، آمین، به شما می‌گویم که: شما گریه و زاری خواهید کرد و جهان شادی خواهد نمود. شما محزون می‌شوید لکن حزن شما به خوشی مبدل خواهد شد.²¹ زن در حین زاییدن محزون می‌شود، زیرا که ساعت او رسیده است. و لیکن چون طفل را زایید، آن زحمت را دیگر یاد نمی‌آورد به سبب خوشی از اینکه انسانی در جهان تولّد یافت.²² پس شما همچنین الآن محزون می‌باشید، لکن باز شما را خواهم دید و دل شما خوش خواهد گشت و هیچ کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت.²³ و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهید کرد. آمین، آمین، به شما می‌گویم که: هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا خواهد کرد.²⁴ تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلید تا بیاید و خوشی شما کامل گردد.

²⁵ این چیزها را به مثلها به شما گفتم، لکن ساعتی می‌آید که دیگر به مثلها به شما حرف نمی‌زنم بلکه از پدر به شما آشکارا خبر خواهم داد.²⁶ در آن روز به اسم من طلب خواهید کرد و به شما نمی‌گویم که من بجهت شما از پدر سؤال می‌کنم،²⁷ زیرا خود پدر شما را دوست می‌دارد، چونکه شما مرا دوست داشتید و ایمان آوردید که من از نزد خدا بیرون آمدم.²⁸ از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارده، نزد پدر می‌روم.

²⁹ شاگردانش بدو گفتند، هان اکنون علانیة سخن می‌گویی و هیچ مَثَل نمی‌گویی.³⁰ الآن دانستیم که همه چیز را می‌دانی و لازم نیست که کسی از تو بپرسد. بدین جهت باور می‌کنیم که از خدا بیرون آمدی.³¹ عیسی به ایشان جواب داد، آیا الآن باور می‌کنید؟³² اینک، ساعتی می‌آید بلکه الآن آمده است که متفرّق خواهید شد هریکی به نزد خاصان خود و مرا تنها خواهید گذارد. لیکن تنها نیستم زیرا که پدر با من است.³³ بدین چیزها به شما تکلم کردم تا در من سلامتی داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد. و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام.

me, and have believed that I came out from God.²⁸ I came forth from the Father, and am come into the world: again, I leave the world, and go to the Father.²⁹ His disciples said unto him, Lo, now speakest thou plainly, and speakest no proverb.³⁰ Now are we sure that thou knowest all things, and needest not that any man should ask thee: by this we believe that thou camest forth from God.³¹ Jesus answered them, Do ye now believe?³² Behold, the hour cometh, yea, is now come, that ye shall be scattered, every man to his own, and shall leave me alone: and yet I am not alone, because the Father is with me.³³ These things I have spoken unto you, that in me ye might have peace. In the world ye shall have tribulation: but be of good cheer; I have overcome the world.